

در هفته‌های اخیر مساله همکاری نظامی ایران و روسیه در صدر اخبار خبرگزاری‌های رسمی و رسانه‌های داخلی و خارجی بود.اما این بار این همکاری، جلوه خاصی از همدستی و کمک برای مبارزه با گروه تروریستی داعش بود. تیتز خبری که در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی منتشر می‌شدد، این بود: «استفاده روسیه از پایگاه هوایی شهید نوزه برای بمباران گروه‌های تکفیری» و تیرهای مشابه آن که بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها داشت. در جلسه علنی روز ۲۷ مردادماه مجلس نیز حشمت‌الله فلاح‌پیشه با عنوان اخطار قانون اساسی در این باره سخن گفت و به اصل ۱۴۶ قانون اساسی نیز استناد کرد. آقای علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی نیز در پاسخ به این اخطار گفت: «بنکه ما با روسیه به‌عنوان متحد در مسائل منطقه بخصوص در سوریه همکاری داریم، به معنای این نیستت که پایگاهی به روسیه از نظر نظامی دادیم لذا اگر کسی این موضوع را در رسانه‌ها مطرح کرده تکذیب می‌شود.» فارغ از اظهارنظرهای سیاسی– رسانه‌ای، بنابر رسالت علمی و ضرورت آگاهی‌بخشی به هموطنان درباره مسائل و موضوعات حقوقی، در این مطلب به تحلیل حقوقی این مساله و انطباق یا عدم انطباق آن با قانون اساسی می‌پردازیم.

\*\*\*

به موجب اصل ۱۴۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ «استقرار هرگونه پایگاه نظامی خارجی در کشور هر چند به‌عنوان استفاده‌های صلح‌آمیز باشد، ممنوع است.»واژگان به کار برده شده در این اصل از جهت لفظی معانی مشخص و روشنی دارد که پس از تشریح و توضیح آنها، مساله استفاده روسیه از پایگاه هوایی شهید نوزه را مورد تحلیل قرار می‌دهیم. نخستین عبارتی که در حقوقدانان حقوق عمومی را به خود جلب می‌کند، عبارت «استقرار پایگاه نظامی خارجی» است.به موجب حکم قانونگذار اساسی، استقرار پایگاه نظامی خارجی در کشور ولو به‌عنوان استفاده‌های صلح‌آمیز باشد، ممنوع است لذا ممنوعیت مندرج در این اصل مطلق است و تحت هیچ شرایطی امکان استقرار پایگاه نظامی خارجی در کشور ایران وجود ندارد. علت این ممنوعیت مطلق را می‌توان جلوگیری از سلطه بیگانه و حفظ استقلال ملی عنوان کرد و از جهتی نیز می‌توان ریشه تاریخی این اصل را با سلطه نظامیان و مستشاران نظامی در حکومت پهلوی و دخالت آنان در امور داخلی ایران ارتباط داد.استقرار پایگاه نظامی خارجی به معنای مستقر کردن پایگاه نظامی است که با این پایگاه توسط کشور خارجی در ایران ساخته می‌شود یا اینکه این پایگاه



تحلیل حقوقی سوختگیری جنگنده‌های روسیه در پایگاه نوزه

# مغالطه مدعیان علیه مقاومت

▪ محمد مهاجری ▪

توسط نیروهای ایرانی ساخته می‌شود و نیروهای نظامی خارجی در آنجا مستقر می‌شوند. از این مفهوم می‌توان این نکته را متوجه شد که این پایگاه نظامی، باید در تسلط و تحت اشراف نیروهای نظامی خارجی باشد؛ به این معنا که این پایگاه نظامی از تسلط و قدرت ارتش ایران و سایر نیروهای نظامی خارج باشد. عبارت دیگری که در این اصل توجه حقوقدانان را به خود جلب می‌کند، عبارت «استفاده‌های صلح‌آمیز» است. پرسش حقوقی مطرح‌شده آن است که آیا استفاده از توان نظامی در جهت صلح‌آمیز ممکن است یا خیر؟ در پاسخ باید گفت مصادیقی مانند مبارزه بین‌المللی با تروریسم با هدف حمایت از حقوق بشر از مصادیق استفاده صلح‌آمیز از توان نظامی است که امروز کشورهای غربی بویژه ایالات متحده آمریکا از این تئوری استفاده‌های فراوانی برده‌اند. حال پرسش اصلی این است: آیا استفاده کشور روسیه از پایگاه

ایران، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در مبارزه با استکبار و حمایت از مستضعفین جهان مقرر شده است؛ از جمله اصل ۱۵۲ قانون اساسی که در این باره مقرر می‌دارد: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحراب استوار است.» و اصل ۱۵۴ قانون اساسی به‌عنوان اصلی مهم در سیاست خارجی بیان می‌دارد: «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد، بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه‌از جهان حمایت می‌کند.» حال ضمن بیان این نکته حقوقی که استفاده از پایگاه نظامی داخلی توسط نیروهای خارجی با مفهوم استقرار پایگاه نظامی خارجی متفاوت است و همچنین است و متفاوت است و برپرواز جنگنده‌های روسی از ایران به سسوریه قطعاً در راستای مبارزه با گروه تروریستی – تکفیری بوده است؛ باید گفت به نظر می‌رسد مخالفان این مبارزه انسان‌دوستانه و بشردوستانه از جمله شبکه بی‌بی‌سی به نوعی از مبارزه با گروه‌های تروریستی ناخرسند هستند و درصدد القای این مساله هستند که این موضوع مغایر صلح و مغایر موازین حقوقی است.

این در حالی است که کشورهای دیگر در مبارزه با گروه‌های تکفیری از جمله داعش ناموفق بوده و هرگاه قرار بوده است با جنگنده‌ها و موشک‌های خود به مواضع داعش حمله کنند، به‌اصطلاح به اشتباه(!) مواضع ارتش سوریه و مردم را نشانه رفته‌اند البته سکوت جالب شبکه بی‌بی‌سی فارسی و بسیاری از شبکه‌های خارجی درباره سلاح‌های آمریکایی و اروپایی در دستان گروه تروریستی– تکفیری داعش و تجارت داعش با بسیاری از شریکان غربی خود در مقابل غوغای خبری هفته‌های اخیر توجه هر مخاطب منصفی را به خود جلب می‌کند. در نتیجه باید بیان کرد مبارزه جمهوری اسلامی ایران و همه کشورهای جریان مقاومت با گروه‌های تروریستی– تکفیری داعش نه تنها مغایر قانون اساسی نیست بلکه با اصول متعدد قانون اساسی منطبق است و همخوانی دارد.

▪ **مدرس دانشگاه و پژوهشگر حقوقی**

■ ■ ■

## تربیت دینی؛ مرحله سیادت

از دست نمی‌دهند. در تصمیم‌گیری‌ها تابع سخنان دیگران نیستند و به عقل و وحی رجوع می‌کنند. مهم‌تر از همه اینکه، «صالح» هستند و نگاهشان به زندگی توحیدی است. خود را در این دنیا مسافر می‌پندارند، نه مستقر. فرزندان‌شان را امانت می‌پندارند نه سربرار یا عسای پیری! مهم نیست در چه مرحله‌ای از زندگی قرار داریم، اگر نگاهمان را نسبت به خود، هستی و خالق هستی تغییر دهیم، می‌توانیم سیادت و عزت پیدا کنیم و این عزت را از طریق زیبایی اعمال و رفتارمان به فرزندان‌مان نیز انتقال دهیم.

■ **فلسفه خواندن اذان و اقامه در گوش کودک**

مرحله سیادت با خواندن اذان و اقامه در گوش طفل آغاز می‌شود. اذان، یعنی اذن؛ هر آنچه در آسمان‌ها و زمین هست همه ملک خداست. پدر و مادر و کودک باید بدانند هر ورود و خروجی در این هستی با اذن او صورت می‌گیرد. همه چیز به اجازه الله نیاز دارد. به دنیا آمدن کودک، اسم نهادن بر او، شیر دادن به او، بزرگ کردن او… همه نیازمند اذن الله است. بعد اقامه در گوش چپ کودک خوانده می‌شود. اقامه یعنی برپا داشتن و ماموریت پیدا کردن؛ وقتی فهمیدیم همه چیز به اذن الله صورت می‌گیرد، آن وقت باید برای برپاداشتن احکام الله قیام و در انجام کارها به احکام الله رجوع کنیم و نه به شنیده‌ها و دانسته‌هایی که سند محکمی ندارند. هرچند خواندن اذان و اقامه، روی کودک نیز اثراتی دارد اما مخاطب اصلی آن والدین- بویژه پدر- هستند نه کودکی که هنوز قوه تشخیص ندارد. در واقع والدین با خواندن اذان و اقامه، به خود یادآوری می‌کنند در تمام مسائل مربوط به کودک، موظف به رعایت مرزهای الله و برپاداشتن احکام هستند.

■ **سیادت به این معنی نیست که کودک هر کاری دلش خواست انجام دهد**

۷ سال اول زمان شکل‌گیری مبانی شخصیتی در کودک است؛ وجود کودکی که به دنیا می‌آید، خالی از هر گونه صفت شخصیتی خوب و بد است، نه راستگو است و نه دروغگو، نه خوش خلق است و نه بد اخلاق؛ در این مدت باید کودک بتدریج صفات پسندیده‌ای همچون نظم، نظافت، آرامش و… را بی‌شناسد و به آنها متمایل شود. به این منظور، اولاً باید این صفات در والدین یا مربی متجلی و ثانیاً شیوه رفتار ملاطفت‌آمیز باشد. «ملاطفت» به معنای رفتار «موتز» اما «امحسوس» است. والدین در عین مراقبت دائمی از کودک، باید از رفتارها و سرزنش‌های مستقیمی که حساسیت و لجاجت را بر می‌انگیزد خودداری کنند. مثلاً به‌جای اینکه ملام کودک را از دست زدن به وسایل شکستی و خطرناک منع کنیم، این وسایل را از دسترس او خارج کنیم. یا اگر خواسته ناممکن یا نایجایی دارد، به جای مخالفت و سرزنش، حواس‌را پرت کنیم یا با لحن نرمی، برایش توضیح دهیم. مادرانی که منزل خود را تبدیل به نمایشگاه وسایل لوکس کرده‌اند معمولاً در این‌باره با مشکلات زیادی مواجه می‌شوند!

منابع:

– ادیب، مریم(۱۳۹۳). **زمینه‌های موثر در تربیت دینی کودک و نوجوان؛ نکته‌ها و روش‌ها**. چاپ ششم، نشر موسسه منادی تربیت.
– غفرانی، محمد جعفر(۱۳۹۵). **از سیادت تا وزارت**. آشنایی با مبانی رشد در ۷ سال اول، دوم و سوم. چاپ اول، نشر قرآن و اهل بیت نبوت



اشاره

**انقلاب فرانسه، از پادشاه مشروطه**

**خوش‌قلب نا امیراتور مطلق و مقتدر**

«روسیسپر»، یک حقوقدان وابسته به طبقه اشراف که خود را وقف آرمان‌های توده مردم کرده بود، به همه‌کاره «ژاکوبن‌ها» تبدیل شد. به روسیسپر لقب «فسادناپذیر» داده بودند، چرا که در پیگیری آرمان‌های انقلاب بشدت خشک و متعصب و غیرقابل مصالحه بود. روسیسپر در رأس کمیته امنیت عمومی قرار داشت که ۲ بازوی اجرایی داشت: دادگاه انقلابی و کمیته مراقبت انقلاب (نوعی سازمان اطلاعاتی). کمیته امنیت عمومی با راهبرد «ایجاد وحشت برای کنترل اوضاع» هر کسی را که مخل تحقق آرمان‌های انقلاب تشخیص می‌داد، با کوچک‌ترین بهانه اعدام می‌کرد. سرایزان فرار کرده از جنگ، طرفداران زیروندان‌ها و احتکارکنندگان بخشی از قربانیان این کمیته بودند. در این دوره، «گیوتین»، دستگاهی که به یک اشاره سر محکومان را قطع می‌کرد، به نماد انقلاب تبدیل شد و تصویر آن بر همه‌جا نقش بست (حتی بر زیورآلات خانم‌های پارسی). یکی از نخستین و معروف‌ترین قربانیان ایسن دوره، «ماری آنتوات»، ملکه سابق فرانسه بود که اکنون به بانوی سالخورده، سپیدمو و درهم شکسته تبدیل شده بود و او را در ۱۶ اکتبر ۱۷۹۳ اعدام کردند. پس از آن، هر روز صبح شمار زیادی از افسراد برای محاکمه به ۴ شعبه دادگاه انقلابی فرستاده می‌شدند و بعدازظهر با گاری‌های چوبی ترسناک پای گیوتین می‌رفتند.اعدام‌ها از کشیشان، اشراف و مرتجعان انقلاب شروع شد و به محرکان سواد غذایی و حتی اعضای خانواده محکومان که در عزای عزیز خود خشک ریخته بودند، رسید. روسیسپر اعتقاد داشت «فضیلت انقلابی» یعنی سرسپردگی به ملت و در ایسن راه هر اندازه خون ریخته می‌شد، زیاد نبود. «لویی دوسن‌ژوست»، جوان انقلابی که دستیار روسیسپر بود یکبار ۳ گناه اصلی ضد جمهوری فرانسه را این چنین برشمرد: «ناسف برای زندانیان سیاسی»، «مخالف بودن با اصل فضیلت» و «مخالفت با وحشت انقلابی». در این هنگام، «ژرژ دانتون» که خود از رهبران ژاکوبن‌ها بود، از میزان کشتارها به انزار رسیده بود و خواهان توقف وحشت شد. او توانست در ماه دسامبر ۱۷۹۳ «کمیته‌های عفو» تشکیل دهد تا در پرنده زندانیان تجدیدنظر صورت گیرد. اینجا بود که روسیسپر و جناح افراطی ژاکوبن‌ها که دانتون را رقیب برای خود می‌دیدند، شروع به اتهام‌زنی علیه او کردند و توانستند خیلی‌زود کمیته‌های عفو را تعطیل کنند. منتها روسیسپر از این فرصت برای حذف توامان دانتون و افراطی‌های ژاکوبن (لبرتست‌ها) استفاده کرد. او ابتدا با محکوم کردن لبرتست‌ها به توطئه با کمک خا‌رجی‌ها، آنها را به گیوتین سپرد. سپس دوست دیرین دانتون خود و دستیار او کلمی دمون را محاکمه کرد و کشت. نکته جالب و عبرت‌انگیز اینکه، دانتون در پای گیوتین گفت: «مردم دشمن مرا(روسیسپر) در عرض ۳ه‌تا کتکه‌کنند خواهند کرد.»

سال دوم انقلاب، وقتی روسیسپر می‌خواست از تربیون مجمع ملی فرار کند، چند توطئه‌نگران را برای اعدام اعلام کرد، او را کنار زدند و خواستند اعدامش شدند. چند روز بعد، روسیسپر و یاران نزدیکش از جمله «سن‌ژوست» به همان گیوتینی سپرده شدند که با آن دوره وحشت را به راه انداخته بودند. اینجا بود که مثل «انقلاب فرزندان خود را می‌خورد»، بر سرزبان‌ها افتاد. چون پایان کار روسیسپر در ماه ژانویه، راه را برای دوم انقلاب انجام گرفت، دوره پاسوخیست در ادبیات انقلاب به دوره «ترمیدور» معروف شد. بعد از حذف زیروندان‌ها و ژاکوبن‌ها، مجمع در اختیار نمایندگان میانه‌رو قرار گرفت و آنها یک قانون اساسی جدید تصویب کردند. حق برابری کامل شهروندان پس گرفته شد و در بسیاری از امتیازات داده‌شده به کودک نیز اثراتی داشت. دوره گرفت. قوه مجریه فرانسه در اختیار یک هیات ۳ نفره موسوم به «دیرکتوار«هیات‌مدیره» قرار گرفت. در این دوره، به دلیل ضعف ایجاد شده در حکومت انقلابی، سلطت‌طلبان شروع به تحریک شورش‌هایی در پاریس کردند. دیرکتوار برای اعاده امنیت افسر جوانی به نام «نابلئون بناپارت» را به کمک تویخانه سرکوب شد و برای ۳۰ سال آینده دیگر شورش‌ی در فرانسه در نگرفت. مردم از سیاست خسته شده و به تگت آمده بودند و به زندگی عادی و خوشگذرانی روی آوردند. ستاره نابلئون بناپارت در خشدین گرفت و ضعف دیرکتوار در مقابله با مشکلات، راه را برای حضور او در عرصه سیاست باز کرد. فتوحات نظامی نابلئون اگرچه در مصر دچار مشکل شده بود اما او وقتی تصمیم به بازگشت به میهن گرفت و وارد پاریس شد، مردم بسان یک قهرمان از او استقبال کردند. خیلی‌زود در ۱۷۹۹ نابلئون به هیات‌مدیره جای خود را به یک هیات ۳ نفره از کنسول‌ها داد که نابلئون یکی از آنها بود. نابلئون در اندک زمانی هم‌کاره هیات ۳ نفره شد و به عنوان کنسول اول در جایگاه حاکم فرانسه قرار گرفت. این مسیر تا رسمی شدن اقتدار مطلق نابلئون در ۱۸۰۴ ادامه داشت. در این سال، نابلئون به عنوان امپراتور مقتدر فرانسه تاجگذاری کرد!اینچنین بود که حدود یک دهه انقلاب پرماجر و پر از خونریزی فرانسه، به دیکتاتوری نظامی ختم شد و یک پادشاه مشروطه خوش‌قلب جای خود را به یک امپراتور مطلق و مقتدر داد.

منابع: «انقلاب فرانسه» فیلیس کورزن